



احساس من
این است که
حاج قاسم با
اعلام مدت
زمان سه ماه، به
نوعی خودش
را پیشمرگ
سید حسن نصر...
کرد، چرا که
طبق صحبت
سید حسن
نصر... داعش
باید تادی ماه
برجیده می شد

وینژنامه سالگرد شهادت سپهبد سلیمانی



از همه جهات به آن راه وجود داشت و اصطلاحاً منطقه‌ای بود که از پایین و بالا و چپ و راست حمایت می‌شد و مواضع خوبی برای پنهان شدن داشت. یک روز حاج قاسم همراه با ابوبکر روی موتور نشست و ساعت ۶ صبح خودش را به تی‌تو رساند و به ما بیسیم زد که الان مادر تی‌تو هستیم و هیچ‌کس در اینجا نیست. شب قبل از این اقدام، حاج قاسم، بچه‌های اطلاعات را خواسته بود و اطلاعات دقیقی تی‌تو را از آنها گرفته و همان‌جا متوجه شده بود که کسی در تی‌تو مستقر نیست و تنها بعضی از مواقع داعشی‌ها در آنجا اقدام به موضعگیری و تیراندازی می‌کنند. حاج قاسم که می‌خواست بچه‌ها را به تی‌تو بیاورد، خودش با موتور به عنوان خط‌شکن به آنجا رفت و بیسیم زد که نیروها به او پیوندند. بیشترین حملات انتحاری در تی‌تو به نیروهای مقاومت انجام شد. حتی تا یک سال بعد از فتح بوکمال هم حملات انتحاری در تی‌تو انجام می‌شد.

○ در همان ایام ورود نیروهای مقاومت به تی‌تو بود که پدر بزرگوار حاج قاسم سلیمانی فوت کرد. برخورد او با این اتفاق ناگوار چگونه بود؟

حاج قاسم این موضوع را به هیچ‌کدام از نیروها نگفت. به ایران آمد و بعد از دو سه روز به سوریه برگشت. البته خبر درگذشت پدر حاج قاسم به نیروها رسیده بود و همه ناراحت بودند و به محض بازگشت حاج قاسم، به او تسلیت گفتند. بعد از بازگشت حاج قاسم از ایران، ما برای دومین بار در منطقه «عباس خمسه» با عراقی‌ها دست دادیم و این دست دادن خیلی شیرین‌تر از دست دادن در نقطه مرزی قبلی بود چرا که عباس خمسه ۴۰ کیلومتر جاده تا بوکمال داشت و بیابانی نبود. داعشی‌ها که دیگر متوجه حضور ما در عباس خمسه شده بودند تا می‌توانستند با گراهایبی که آمریکایی‌ها در اختیارشان می‌گذاشتند علیه ما

سید حسن نصر...، داعش باید تا دی ماه برجیده می‌شد. حاج قاسم بعد از اعلام علنی این وعده به سوریه آمد و عملاً در ستاد فرماندهی حاضر شد و مستقیماً درباره عملیات‌ها تصمیم‌گیری کرد. از آن تاریخ به بعد، کارها و عملیات‌ها با سرعت بسیار بیشتری نسبت به قبل پیش رفت. سقوط منطقه سخنه توسط فاطمیون، چندین جاده را برای نیروهای مقاومت آزاد کرد. این عملیات که تنها توسط بچه‌های فاطمیون انجام شد به اندازه عملیات فتح‌المبین در دفاع مقدس آزادسازی داشت.

○ ماجرای توقف عملیات نیروهای جبهه مقاومت در شهر قوریه چه بود؟

بعد از آزادسازی دیرالزور، نیروهای مقاومت چند روز در منطقه قوریه گیر افتادند. آن فیلم معروف حاج اصغر پاشاپور که در آن به حاج قاسم می‌گوید «جلوتر نرو» مربوط به قوریه است. شهید اصغر پاشاپور در مسیر رسیدن نیروهای مقاومت به سوریه زحمات بسیار زیادی کشید، البته او در عملیات بوکمال نبود اما در مسیر رسیدن به بوکمال زحمات فراوانی متحمل شد. ساختار شهر قوریه به شکلی بود که نمی‌توانستیم آن را دور بزنیم و محاصره کنیم. داعشی‌ها هم مرتب به سمت ما تیراندازی می‌کردند و سعی داشتند از ما تلفات بگیرند. برای برگزاری جلسه مشورت به دیرالزور برگشتیم و نظرات متعددی در جلسه ارائه شد. نهایتاً تصمیم بر این شد که مقرر فرماندهی را به حمیمه ببریم و ادامه پیشروی را از آنجا به سمت تی‌تو انجام دهیم. در این پیشروی‌ها عموماً نیروهای زینیون پیشرو بودند و درگیری‌های تن‌به‌تن را انجام می‌دادند.

○ نقل شده است که خط‌شکن تی‌تو، شخص «حاج قاسم سلیمانی» بوده است. آیا این موضوع صحت دارد؟

بله؛ یکی از مشکلاتی که تی‌تو داشت این بود که